

بررسی و تبیین رابطه حاکمیت شرکتی با نوع حسابرِس و هزینه‌های حسابرِس

روح‌الله جمشیدپور، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، دانشکده علوم انسانی، گروه حسابداری، کرمانشاه، ایران.
علی عباسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، دانشکده علوم انسانی، گروه حسابداری، کرمانشاه، ایران.
امید عباسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، دانشکده علوم انسانی، گروه حسابداری، کرمانشاه، ایران.

چکیده - هدف این پژوهش بررسی و تبیین رابطه حاکمیت شرکتی با نوع حسابرِس و هزینه‌های حسابرِس می‌باشد. تعداد فرضیات مورد آزمون در این پژوهش ۴ فرضیه می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهش کاربردی می‌باشد. این پژوهش از نظر منطق اجرای پژوهش از نوع قیاسی، از نظر زمان انجام پژوهش مقطعی و از نظر نحوه‌ی اجرای پژوهش توصیفی - پیمایشی و پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. روش نمونه‌گیری این پژوهش روش حذف سیستماتیک (جدول فیلترینگ) می‌باشد. داده‌ها از طریق نرم‌افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری شدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Eviews و Excel استفاده شده است. با توجه به نتایج پژوهش بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با نوع حسابرِس و با هزینه‌های حسابرِس رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

کلمات کلیدی: حاکمیت شرکتی، نوع حسابرِس، هزینه‌های حسابرِس، بورس اوراق بهادار تهران.

بیان مساله

شرکت‌ها به عنوان واحدهای اقتصادی، همواره به دنبال سودآوری و دستیابی به ثروت بیشتر هستند. به علل گوناگونی که مهمترین آنها جدایی مالکیت از مدیریت است، شرکت‌ها علاوه بر وظیفه انجام فعالیت‌های اقتصادی، وظیفه پاسخگویی به افراد بیرون از شرکت را نیز برعهده دارند. براساس شواهد تجربی کاراترین شکل پاسخگویی، گزارشگری مالی است. با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ، نظیر: انرون، ورلدکام و ... اعتبار اعداد و ارقام حسابداری که مهمترین بخش گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهند، به شدت زیر سؤال رفته؛ به طوری که سرمایه‌گذاران اعتمادی به صورت‌های مالی تهیه شده توسط مدیریت ندارند. این ورشکستگی‌ها سؤالی درباره نقش حاکمیت شرکتی و دیگر عوامل اطمینان‌بخش درباره شفافیت و کامل بودن گزارشگری

مالی ایجاد می‌کند. ارائه گزارشگری مالی فریب دهنده، مانند تأیید سوءاستفاده‌های گوناگون حسابداری در این شرکت‌ها باعث واکنش بازار و قانون به بهتر شدن محیط حاکمیت شرکتی در آمریکا و دیگر نقاط جهان شده است. حاکمیت شرکتی مؤثر به انطباق ویژگی‌های محیطی و سازمانی به هم، مربوط است (دسندر و همکاران، ۲۰۱۱).

فلسفه اصلی حسابرسی اعتباربخشی به اطلاعات منعکس در صورت‌های مالی بوده، زیرا اطلاعات مزبور مبنای تصمیم‌گیری گروه‌های مختلفی نظیر سهامداران، سرمایه‌گذاران بالقوه، کارگزاران، تحلیل‌گران، مدیران، اعتباردهندگان و دولت قرار می‌گیرد. بنابراین حسابرسی از دیدگاه کاربران مزبور به ویژه سهامداران، زمانی سودمند است که حساب‌برسان طی رسیدگی‌های خود به بررسی و ارزیابی برقراری تداوم فعالیت، عاری بودن صورت‌های مالی از اشتباه، تخلف، تقلب با اهمیت و اعمال غیرقانونی مؤثر بر فعالیت واحد مورد رسیدگی بپردازند و میزان موافقت خود را با رعایت موارد مزبور اعلام کنند؛ هرگاه میزان عدم رعایت به حد کافی مهم باشد، گزارش حسابرسی باید به صورت مشروط ارائه شود (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۹).

براساس تئوری نمایندگی، اندازه تقاضا برای خدمات حسابرسی وابسته به میزان تمرکز مالکیت در شرکت می‌باشد. بر این اساس یک شرکت با مالکیت متنوع، به حساب‌برسان با مهارت بالا توسط گروه سهامداران نیاز دارد. مالکیت هم چون یک مکانیزم حاکمیت شرکتی بوده و سهامداران بزرگ نظارت فعال و تاثیر زیادی بر انتخاب سیاست‌های مدیریت و استراتژی‌های آنان برای ارائه اطلاعات صورت‌های مالی دارند. از آنجا که ساختار مالکیت از سازوکارهای اصلی و از عوامل تعیین‌کننده داخلی نظام راهبری شرکت‌ها بوده و از طرفی دیگر، حسابرسی به عنوان حرفه‌ای مستقل، وظیفه خطیری در جهت اعتباردهی گزارش‌های مالی برای جامعه استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی دارد، لذا اطلاعات مالی حسابرسی شده ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون سازمانی و برون سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی از دادوستد اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌های مختلف است. نظام مطلوب حاکمیت شرکتی موجب اطمینان خاطر جهت استفاده شرکت‌ها از دارایی‌های خود به نحو مؤثر شده، هم چنین منافع دامنه گسترده‌ای از ذینفع‌ها و جامعه‌ای که در آن فعالیت دارند را در نظر خواهد گرفت براساس مباحث تئوریک در مورد صاحبکارانی که از رتبه حاکمیت شرکتی بالایی برخوردارند، می‌توان انتظار داشت که اطلاعات حسابداری تهیه شده توسط این شرکت‌ها از قابلیت اتکاء و اطمینان مطلوبی برخوردار باشند. به عبارت دیگر، با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، احتمال وقوع تقلب، تحریف و سایر انواع سوءجریان‌ها

در صورت‌های مالی این شرکت‌ها به حداقل رسیده و ارائه اظهارنظر مقبول توسط حسابرسان مستقل برای آن‌ها معقول و منطقی به نظر می‌رسد (ابراهیمی، پیوندی، فخارمنش، ۱۳۹۳).

اطلاعات مالی حسابرسی شده ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون سازمانی و برون سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی از دادوستد اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌های مختلف است. از طرفی دیگر الزامات قانونی، اعتبار بخشیدن به گزارشات مالی تهیه شده توسط مدیریت (اطمینان‌دهی به سهامداران در مورد صحت عملکرد مالی مدیریت) و مفاسد حساب مدیران از جمله عواملی است که مدیریت و سهامداران واحدهای مورد رسیدگی را حاضر به پذیرش (تحمل) هزینه‌ها و حق‌الزحمه حسابرسان می‌کند (حساس‌یگانه، داداشی، ۱۳۸۸).

همان‌طور که در تعریف حاکمیت شرکتی گفتیم، حاکمیت شرکتی در برگیرنده مجموعه روابط بین تمامی ذی‌نفعان شرکت است. در این ارتباط، بنابر پیشنهاد ارایه شده توسط کمیته بالا، ذی‌نفعان نیز می‌توانند باعث ارتقای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها شوند. از جمله ذی‌نفعانی که نقشی موثر در این ارتباط دارند، عبارتند از: سهامداران، سپرده‌گذاران، دولت‌ها، حسابرسان، سازمان بورس اوراق بهادار.

بویایی، تداوم و تسریع روند توسعه بنگاه‌های اقتصادی و در پی آن کل اقتصاد در گرو شناخت کامل و صحیحی از نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های کشور است. از آن‌جا که قوت و ضعف نیز مفاهیم نسبی است که بر مبنای مقایسه استوار است، ابزارهای حاکمیت شرکتی با مقایسه صنایع و بنگاه‌های اقتصادی کشور با یکدیگر زمینه‌ای را فراهم می‌کند که می‌تواند راهنمای مفیدی برای مدیران، سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران باشد و به تحقیقات پژوهشگران در جهت شناخت فضای کسب‌وکار از زوایای تازه‌ای منجر گردد.

با توجه به خلا یک تحقیق جامعه در این زمینه، در پی این هستیم که در این تحقیق به این سوال پاسخ گفته و رهنمودهایی برای سرمایه‌گذاران فردی و سازمانی در بورس اوراق بهادار فراهم کنیم. و همچنین نشان دهیم که حاکمیت شرکتی می‌تواند در هزینه‌های حسابرسی موثر باشد. همچنین یکی از نقاط ضعف که در تحقیقات قبلی بود در نظر نگرفتن هزینه‌های حسابرسی بوده است. که ما در این تحقیق در پی آن هستیم که کدام دسته از شرکت‌ها را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کنیم. شرکت‌هایی که هزینه‌های حسابرسی بیشتری دارند و شرکت‌هایی که هزینه‌های حسابرسی کمتری دارند. با انجام این تحقیق مشخص می‌شود که با افزایش حاکمیت شرکتی، هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها بالاتر می‌رود یا خیر؟

در این تحقیق، ابتدا بررسی گردید که آیا ارتباطی بین برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی) با نوع حسابرسی و هزینه‌های حسابرسی وجود دارد؟ و در نهایت تجزیه و تحلیل شده است که آیا ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی با نوع حسابرسی و هزینه‌های حسابرسی به وسیله مالکیت متمرکز (سهامداران عمده) تحت تاثیر قرار می‌گیرد؟

پیشینه تحقیق

موسوی، جباری، بیدختی (۱۳۹۴). در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد تنها میان کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

شورورزی و همکاران (۱۳۹۴). در پژوهشی به ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت بر مبنای رگرسیون فازی پرداختند. براساس نتایج حاصل از این تحقیق فرضیه رابطه بین وجود اعضای غیر موظف در هیات مدیره و وجود مالکان نهادی با عملکرد شرکت مورد تایید قرار گرفت همچنین بین نقش دوگانه مدیرعامل و عملکرد شرکت ارتباط معنی‌داری مشاهده نگردید. بنابراین با توجه به نتایج این تحقیق توجه ویژه به سازوکارهای حاکمیت شرکتی در راستای بهبود عملکرد شرکت مورد تایید است.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به تاثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین جریان‌های نقد آزاد و استفاده بهینه از دارایی‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین جریان‌های نقد آزاد، مالکیت مدیریتی و استفاده بهینه از دارایی‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، اما ارتباط بین مالکیت نهادی و استفاده بهینه از دارایی‌ها تایید نشد. همچنین، نتایج حاکی از این است که با افزایش مالکیت مدیریتی، ارتباط بین جریان‌های نقد آزاد و استفاده بهینه از دارایی‌ها منفی و معنی‌دارتر می‌شود. مدیران مایل به سرمایه‌گذاری جریان‌های نقد آزاد در پروژه‌های با منفعت شخصی هستند و از رویه‌های پیش‌بینی شده پیروی نکرده و حتی از خالص ارزش فعلی منفی پروژه چشم‌پوشی می‌کنند. برخی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در مجموع ممکن است که بازده مثبت داشته باشند، ولی این بازده کمتر از هزینه سرمایه است.

داروغه حضرتی، پهلوان (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که چهار عامل ذکر شده رابطه مستقیم و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

بنی‌مه‌د، مرادزاده‌فرد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرس پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میان حق‌الزحمه حسابرس، اندازه صاحبکار، گزارش زیان توسط صاحبکار و سن شرکت مورد رسیدگی و صدور گزارش مقبول حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. براساس نتایج پژوهش، حق‌الزحمه حسابرس رابطه‌ای مستقیم با صدور گزارش مقبول حسابرسی دارد. اندازه شرکت، سن شرکت و گزارش زیان رابطه‌ای معکوس با گزارش مقبول حسابرسی دارد. هم‌چنین تغییر حسابرس، نوع حسابرس، مدت تصدی حسابرس با صدور گزارش مقبول حسابرسی رابطه‌ای ندارند.

ملکیان، احمد احمدپور، طالب تبارآهنگر (۱۳۹۱). در پژوهشی به بررسی رابطه برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حق‌الزحمه حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های تحقیق درخصوص ارتباط بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی بیانگر وجود رابطه منفی بین حق‌الزحمه حسابرسی و درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و رابطه مثبت بین دوگانگی مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. هم‌چنین، رابطه بین دوگانگی مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی هنگامی که مالکیت پراکنده است، قوی‌تر است.

نوروش و دیگران (۱۳۸۹) رابطه سازوکارهای نظام حاکمیت شرکتی و هزینه نمایندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. در این تحقیق هزینه‌های نمایندگی تابعی از تعامل بین فرصت‌های رشد شرکت و جریان نقد آزاد تعریف شده و از شاخص Q توبین به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری فرصت‌های رشد استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان دهنده اعمال نفوذ مؤثر و فعال سرمایه‌گذاران نهادی بر تصمیم‌گیری‌های مدیریت شرکت و کاهش تضاد منافع بین مدیران و مالکان است.

مارانی (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی نقش حسابرسان مستقل در حاکمیت شرکتی پرداخته است. نتیجه تحقیقات مارانی نشان می‌دهد که حسابرسان مستقل و کمیته حسابرسی دو عامل مهم در فرآیند حاکمیت شرکتی به شمار می‌روند.

کواکب و همکاران (۲۰۱۵) نقش حاکمیت شرکتی را در محدود کردن مدیریت سود بررسی قرار دادند. تحقیق کواکب و همکاران که بر روی ۱۷۱ شرکت آمریکایی انجام پذیرفت بیانگر آن است که کمیته حسابرسی و تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره از مدیر عامل تاثیر بسزایی در کاهش سطح مدیریت سود دارد.

حسن و بوت (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر ساختار سرمایه در شرکت‌های پاکستانی" تأثیر ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکتی را بر ساختار سرمایه بررسی کردند. در این تحقیق از سه متغیر اندازه هیأت مدیره، ترکیب هیأت مدیره و عضویت مدیر عامل در هیأت مدیره به عنوان شاخص‌های سنجش نظام راهبری شرکت و از درصد سهام متعلق به مدیران و سهام‌داران نهادی به عنوان معیارهای سنجش ساختار مالکیت استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که اندازه هیأت مدیره و سهامداری مدیریتی به شکلی منفی و معنادار با نسبت اهرم مالی در ارتباط است، در حالی که عضویت مدیرعامل در هیأت مدیره و ترکیب هیأت مدیره هیچ اثر معناداری بر ساختار سرمایه ندارد. همچنین یافته‌های تحقیق گویای رابطه‌ای مثبت، ولی غیر معنادار میان مالکیت نهادی و ساختار سرمایه بود.

آلالی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و اقلام تعهدی غیراختیاری پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین اقلام تعهدی غیراختیاری و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین حق‌الزحمه حسابرسی با سودآوری شرکت رابطه منفی دارد. شرکت‌ها در وضعیت مالی ضعیف (زیان) انتظار دارند تا حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت کنند، این امر منجر به افزایش ریسک این شرکت‌ها می‌شود و سودآوری کاهش می‌یابد.

لای (۲۰۱۲) در تحقیقی در بررسی نوع اظهارنظر حسابرس و افشای حق‌الزحمه حسابرسی دریافت میان افشای حق‌الزحمه حسابرسی و نوع گزارش حسابرس رابطه‌ای وجود ندارد. اما اندازه شرکت، سودآوری، گزارش حسابرسی غیرمقبول در سال قبل، جریان نقدی، شاخص ورشکستگی و رشد فروش از عوامل تاثیرگذار بر صدور گزارش حسابرسی غیرمقبول درباره تداوم فعالیت شرکت می‌باشد.

ژین یانگ و دیگران (۲۰۱۲) رابطه بین کیفیت و شهرت حسابرسان را با تصمیمات مالی در شرکت‌ها بررسی کردند. آنها مدل و شواهدی ارائه کردند که نشان می‌داد کیفیت و شهرت حسابرسان بر تصمیمات مالی شرکت‌ها تأثیر دارد و نشان دادند که کیفیت بالای حسابرسی از تأثیر شرایط بازار بر تصمیمات مالی شرکت‌های موردنظر و نیز ساختار سرمایه آنها می‌کاهد.

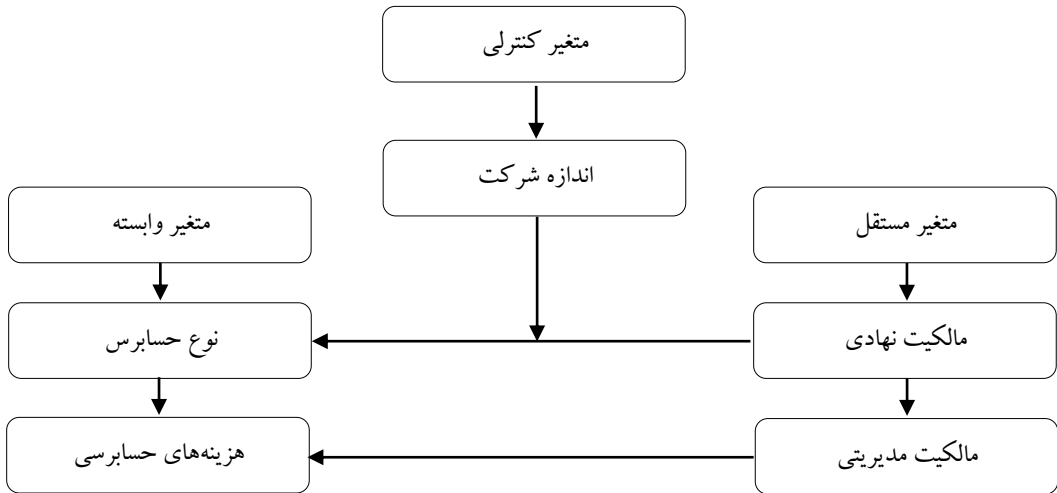
آمی دیتمار و مارت اسمیت (۲۰۱۱) با بررسی دو معیار از حاکمیت شرکتی و رابطه آن با ارزش بازار شرکت متوجه شدند که در شرکت‌های با حاکمیت ضعیف هر ۱ دلار تغییر در وجه نقد باعث تغییری حدود ۰/۴۲ تا ۰/۸۸ در ارزش بازار خواهد شد در حالی که این مبلغ در شرکت‌های با حاکمیت خوب دو برابر است.

برنارد بلک (۲۰۱۰) در تحقیقی در روسیه متوجه شد که بین حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام رابطه وجود دارد. او با استفاده از سری‌های زمانی و رگرسیون متوجه شد که بین سهامداران نهادی و نقدشوندگی سهام یک رابطه قوی وجود دارد.

فرضیه‌های تحقیق

- فرضیه اول: بین مالکیت نهادی با نوع حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین مالکیت مدیریتی با نوع حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین مالکیت نهادی با هزینه‌های حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.

مدل تحقیق



تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی

* حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی سیستمی است که توسط آن شرکت‌ها در حال کارگردانی و کنترل سازمان هستند که

فرایند این سیستم شامل:

۱- سازوکارهای نظارتی در بازار

۲- نقش و روابط بین مدیریت، هیئت مدیره، سهامداران و ذینفعان یک شرکت

۳- تعیین اهداف برای اداره شرکت

* مالکیت مدیریتی

بیانگر درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای خانواده هیأت مدیره است (حساس یگانه، ابراهیمی،

۱۳۸۹).

* مالکیت نهادی

سرمایه گذاران نهادی دربرگیرنده تعداد سهام عادی شرکت است که در اختیار موسسات سرمایه گذاری، بانک‌ها، موسسات بیمه و سایر موسسات و شرکت‌ها و شرکت‌هایی است که بطور حرفه‌ای به فعالیت سرمایه‌گذاری مشغول می‌باشند. برخی محققان سهامداران نهادی را به دو گروه دسته‌بندی کرده‌اند. دسته اول سرمایه‌گذارانی هستند که بر سودهای کوتاه‌مدت تمرکز دارند و دسته دوم سرمایه‌گذاران حرفه‌ای هستند که مزیت نسبی آنها در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به نحوی است که اطلاعات بیشتری در رابطه با سودهای آتی را که در سال جاری انعکاسی نیافته در نظر می‌گیرند. (حساس یگانه، ابراهیمی، ۱۳۸۹).

* حق‌الزحمه حسابرسی (هزینه‌های حسابرسی)

حق‌الزحمه حسابرسی، منعکس کننده هزینه‌های اقتصادی حسابرسان کارآمد می‌باشد. از منظر حسابرسان، حسابرسان به دنبال حداقل کردن کل هزینه‌ها از طریق تراز کردن هزینه‌های منابع خود (هزینه‌های انجام کار حسابرسی بیشتر) و زیان‌های آتی ناشی از بدهی قانونی می‌باشند. (بنی‌مهد، مرادزاده فرد، ۱۳۹۱)

نوع حسابرسان: در این پژوهش نوع حسابرسان عبارت است از موسسات بزرگ و کوچک حسابرسی که به ترتیب با یک و صفر نشان داده می‌شوند، سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ و سایر موسسات حسابرسی به عنوان موسسه غیربزرگ در نظر گرفته شده است.

جامعه و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ می‌باشند. داده‌های واقعی موردنیاز این تحقیق از اطلاعات واقعی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران

گردآوری خواهد شد. در این پژوهش با استفاده از روش حذف سیستماتیک نسبت به تعیین حجم نمونه استفاده خواهد شد.

جدول ۱ نحوه انتخاب و استخراج نمونه

تعداد شرکت‌هایی که در سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ در بورس حضور داشته‌اند.	۶۴۸ شرکت
تعداد شرکت‌هایی که در سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ در بورس حضور نداشته‌اند.	شرکت (۱۱۲)
تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند می‌باشد.	شرکت (۱۷۹)
تعداد شرکت‌هایی که در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی داده‌اند.	شرکت (۵۶)
تعداد شرکت‌هایی که سهام آنها حداقل یک‌بار در سال معامله نشده باشد.	شرکت (۸۷)
شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و بیمه‌ها	شرکت (۱۱۴)
جمع	شرکت (۵۴۸)
تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آنها جمع‌آوری شده است (نمونه نهایی)	شرکت ۱۰۰

آمار توصیفی

در تحلیل توصیفی، پژوهشگر با استفاده از جداول و شاخص‌های آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی به توصیف داده‌های جمع‌آوری شده تحقیق می‌پردازد. این امر به شفافیت و توضیح داده‌های تحقیق کمک بسیاری می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل توصیفی داده‌ها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲ آمار توصیفی داده‌های تحقیق طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴

متغیرها	شاخص‌های آماری	تعداد مشاهدات	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
وابسته	هزینه‌های حسابرسی	۵۰۰	۵/۹۶۲۵۵	۷/۸۵۲۶۳	۶/۱۴۵۲۳	۲/۴۵۸۴
مستقل	نوع حسابرس	۵۰۰	۰	۱	۰/۸۵۶	۰/۶۲۵
مستقل	مالکیت نهادی	۵۰۰	۷۲/۲۳	۵۲/۳۲	۶۲/۵۶۳	۳۶/۸۹
مستقل	مالکت مدیریتی	۵۰۰	۶/۳۲	۴/۲۵	۵/۷۵	۳/۲۸
کنترلی	اندازه شرکت	۵۰۰	۷/۸۹۶۵	۵/۲۳۶۵	۶/۸۵۴۴	۴/۸۶۱۵

آزمون جارک - برا

جدول ۳ نتایج آزمون آزمون جارک - برا برای بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

متغیر	آماره آزمون جارک - برا	سطح معنی داری
هزینه‌های حسابرسی	۴/۵۲۶۳	۰/۲۵۶
نوع حسابرس	۰/۷۴۵	۰/۱۱۴
مالکیت نهادی	۰/۹۶۵	۰/۱۲۶
مالکت مدیریتی	۰/۸۹۵	۰/۱۳۲
اندازه شرکت	۵/۱۲۱	۰/۳۶۲

همانطور که در جدول (۲-۴) مشاهده می‌کنیم سطح معنی داری برای متغیرهای هزینه‌های حسابرسی، نوع حسابرس مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی از ۰/۰۵ بیشتر می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم این متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

آزمون لیمر و آزمون هاسمن

آزمون F به جهت آزمون برابری ضرایب عرض از مبدا مقاطع مختلف و آزمون هاسمن نیز به منظور تبیین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی مورد برآورد قرار گرفته‌اند که نتایج این دو آزمون در جدول شماره ۴-۳ و ۴-۴ نشان داده شده است.

جدول ۴ آزمون F لیمر

آماره F لیمر	p-value
۹/۵۲۱۴	۰/۰۱۳

با توجه به اینکه مقدار p-value به دست آمده از آزمون F لیمر برابر با صفر می‌باشد، فرض صفر رد شده ($p\text{-value} \leq 0.05$) و روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود. فرض صفر و فرض مقابل برای آزمون F لیمر به شرح زیر می‌باشد:

Ho: روش داده‌های تلفیقی

H1: روش داده‌های تابلویی

جدول ۵ آزمون هاسمن

آماره هاسمن	p-value
۱۱/۲۱۵۲	۰/۰۲۲

با توجه به مقدار p-value به دست آمده از آزمون هاسمن که برابر با ۰,۰۲۲ می‌باشد، فرض صفر آزمون هاسمن رد شده و روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. فرض صفر و فرض مقابل برای آزمون هاسمن به شرح زیر می‌باشد:

Ho: روش اثرات تصادفی

H1: روش اثرات ثابت

تحلیل فرضیات

۱- تحلیل فرضیه اول

Ho: بین مالکیت نهادی با نوع حسابرسی رابطه معنادار وجود ندارد.

H1: بین مالکیت نهادی با نوع حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۶ آزمون اثرات ثابت فرضیه اول

متغیر	ضریب متغیر	ضریب استاندارد شده	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	۱/۹۶۳۵۱۲	۰/۶۲۶۳۳۳	۳/۱۳۴۹۳۳	۰/۰۱۹
مالکیت نهادی	۱/۸۶۵۹۳۲	۰/۵۶۳۲۵۸	۳/۳۱۲۷۷۴	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۳/۳۶۲۴۱۲	۰/۴۸۵۹۶۲	۶/۹۱۹۰۸۴	۰/۰۳۹
P-Value = ۰/۰۰۱۲ آماره F = ۳۹/۳۶۲۵ دوربین واتسون = ۱/۶۹ ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۷۱				

ضریب تعیین معیاری است که قوت رابطه میان متغیر مستقل و متغیر وابسته را تشریح می‌کند مقدار این ضرایب در واقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل $R = ۰/۷۱$ می‌باشد. یعنی ۷۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل نوع حسابرسی قابل توضیح است. علاوه بر این، عدد مربوط به دوربین واتسن مدلی برابر ۱/۶۶ می‌باشد که نشان

دهنده عدم وجود خطای خود همبستگی در مدل می‌باشد. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت نهادی از ۵ درصد کمتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت نهادی با نوع حسابر س رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول مورد تأیید قرار گرفته است.

۲- تحلیل فرضیه دوم

H₀: بین مالکیت مدیریتی با نوع حسابر س رابطه معنادار وجود ندارد.

H₁: بین مالکیت مدیریتی با نوع حسابر س رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۷ آزمون اثرات ثابت فرضیه دوم

متغیر	ضریب متغیر	ضریب استاندارد شده	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۶۹۵۸۴۷	۰/۴۲۶۳۵۴	۱/۶۳۲۰۸۷	۰/۱۴۲
مالکیت مدیریتی	۰/۸۳۶۲۵۶	۰/۷۴۵۸۶۹	۱/۱۲۱۱۸۳	۰/۱۲۱
اندازه شرکت	۱/۲۳۶۱۴۲	۰/۲۳۶۵۱۲	۵/۲۲۶۵۵۰	۰/۰۲۶
آماره F = ۲۱/۳۲۱۴ P-Value = ۰/۳۵۲۶۱ دوربین واتسون = ۱/۵۳ ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۳				

ضریب تعیین معیاری است که قوت رابطه میان متغیر مستقل و متغیر وابسته را تشریح می‌کند مقدار این ضرایب در واقع مشخص کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل $R = ۰/۳۳$ می‌باشد. یعنی ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل نوع حسابر س قابل توضیح است. علاوه بر این، عدد مربوط به دوربین واتسن مدل برابر ۱/۵۳ می‌باشد که نشان دهنده عدم وجود خطای خود همبستگی در مدل می‌باشد. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت نهادی از ۵ درصد بیشتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت مدیریتی با نوع حسابر س رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

۳- تحلیل فرضیه سوم

H₀: بین مالکیت نهادی با هزینه‌های حسابر سی رابطه معنادار وجود ندارد.

H₁: بین مالکیت نهادی با هزینه‌های حسابر سی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۸ آزمون اثرات ثابت فرضیه سوم

متغیر	ضریب متغیر	ضریب استاندارد شده	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۸۶۵۲۴۴	۰/۴۲۳۶۲۲	۲/۰۴۲۴۹۰	۰/۰۰۹
مالکیت نهادی	۰/۷۴۱۵۲۳	۰/۳۲۶۹۵۴	۲/۲۶۸۰۰۴	۰/۰۰۶
اندازه شرکت	۱/۲۲۶۳۵۲	۰/۴۸۵۹۶۲	۲/۵۲۳۵۵۵	۰/۰۲۱
آماره $F = ۴۱/۶۹۵۸$ $P\text{-Value} = ۰/۰۰۰۹$ دوربین واتسون $= ۱/۷۴$ ضریب تعیین تعدیل شده: $۰/۸۲$				

ضریب تعیین معیاری است که قوت رابطه میان متغیر مستقل و متغیر وابسته را تشریح می‌کند مقدار این ضرایب در واقع مشخص کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل $R = ۰/۸۲$ می‌باشد. یعنی ۸۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل هزینه‌های حسابرسی قابل توضیح است. علاوه بر این، عدد مربوط به دوربین واتسن مدل برابر $۱/۷۴$ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم وجود خطای خود همبستگی در مدل می‌باشد. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت نهادی از ۵ درصد کمتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت نهادی با هزینه‌های حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه سوم مورد تأیید قرار گرفته است.

۴- تحلیل فرضیه چهارم

H_0 : بین مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابرسی رابطه معنادار وجود ندارد.

H_1 : بین مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۹ آزمون اثرات ثابت فرضیه سوم

متغیر	ضریب متغیر	ضریب استاندارد شده	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۶۲۵۳۱۲	۰/۲۴۵۶۲۱	۲/۵۴۵۸۴۰	۰/۰۱۱
مالکیت مدیریتی	۰/۵۳۲۵۱۴	۰/۲۱۴۵۶۳	۲/۴۸۱۸۵۳	۰/۰۰۸
اندازه شرکت	۱/۵۸۷۴۵۱	۰/۹۴۸۶۳۲	۱/۶۷۳۴۱۰	۰/۳۶۲
آماره $F = ۴۸/۱۴۲۵$ $P\text{-Value} = ۰/۰۰۲۵$ دوربین واتسون $= ۱/۷۲$ ضریب تعیین تعدیل شده: $۰/۷۹$				

ضریب تعیین معیاری است که قوت رابطه میان متغیر مستقل و متغیر وابسته را تشریح می‌کند مقدار این ضرایب در واقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل $R = 0/79$ می‌باشد. یعنی ۷۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل هزینه‌های حسابداری قابل توضیح است. علاوه بر این، عدد مربوط به دوربین واتسن مدل برابر $1/72$ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم وجود خطای خود همبستگی در مدل می‌باشد. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت مدیریتی از ۵ درصد کمتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابداری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه چهارم مورد تأیید قرار گرفته است.

نتایج نهایی پژوهش

جدول ۱۰ نتایج آزمون اثرات ثابت

شماره فرضیه	فرضیه	نوع آزمون	تعداد مشاهده	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
۱	بین مالکیت نهادی با نوع حسابداری رابطه معنادار وجود دارد	اثرات ثابت	۵۰۰	۰,۰۰۱	H. رد می‌شود
۲	بین مالکیت مدیریتی با نوع حسابداری رابطه معنادار وجود دارد	اثرات ثابت	۵۰۰	۰,۱۲۱	H. رد می‌شود
۳	بین مالکیت نهادی با هزینه‌های حسابداری رابطه معنادار وجود دارد	اثرات ثابت	۵۰۰	۰,۰۰۶	H. تایید می‌شود
۴	بین مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابداری رابطه معنادار وجود دارد	اثرات ثابت	۵۰۰	۰,۰۰۸	H. تایید می‌شود

نتایج حاصل از تحقیق

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون فرضیه اول

جهت آزمون این فرضیه که می‌گوید عمل مالکیت نهادی با نوع حسابداری دارد از رگرسیون تک متغیر با استفاده از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. در این فرضیه به علت معنی‌داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از روش پانلی با برآورد اثرات ثابت استفاده شده است. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت نهادی از ۵ درصد کمتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت نهادی با نوع

حسابرس رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی به اندازه یک درصد افزایش یا کاهش در مالکیت نهادی، متغیر نوع حسابرسی یک درصد افزایش یا کاهش می‌یابد. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون فرضیه دوم

جهت آزمون این فرضیه که می‌گوید عمل مالکیت مدیریتی با نوع حسابرسی دارد از رگرسیون تک متغیر با استفاده از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. در این فرضیه به علت معنی‌داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از روش پانلی با برآورد اثرات ثابت استفاده شده است. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت مدیریتی از ۵ درصد بیشتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت نهادی با نوع حسابرس رابطه مثبت و معنادار وجود ندارد. در نتیجه فرضیه دوم مورد تأیید قرار نگرفته است. یعنی به اندازه یک درصد افزایش یا کاهش در مالکیت نهادی، متغیر نوع حسابرسی تغییری پیدا نمی‌کند. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون فرضیه سوم

جهت آزمون این فرضیه که می‌گوید عمل مالکیت نهادی با هزینه‌های حسابرسی دارد از رگرسیون تک متغیر با استفاده از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. در این فرضیه به علت معنی‌داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از روش پانلی با برآورد اثرات ثابت استفاده شده است. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت نهادی از ۵ درصد کمتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت نهادی با هزینه‌های حسابرس رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه سوم مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی به اندازه یک درصد افزایش یا کاهش در مالکیت نهادی، متغیر هزینه‌های حسابرسی افزایش و کاهش پیدا می‌کند.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون فرضیه چهارم

جهت آزمون این فرضیه که می‌گوید عمل مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابرسی دارد از رگرسیون تک متغیر با استفاده از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. در این فرضیه به علت معنی‌داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از روش پانلی با برآورد اثرات ثابت استفاده شده است. همچنین چون که سطح معناداری آماره T مربوط به متغیر مالکیت مدیریتی از ۵ درصد کمتر می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم بین مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابرس رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه چهارم مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی به اندازه یک درصد افزایش یا کاهش در مالکیت مدیریتی، متغیر هزینه‌های حسابرسی تغییری پیدا می‌کند.

جدول (۱۱) مقایسه نتایج پژوهش با پژوهش‌های پیشین

فرضیه اول: بین مالکیت نهادی نوع حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت.	لونتیس و دیمیتروپلوس (۲۰۰۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مالکیت نهادی با نوع حسابرس ارتباطی ندارد.
فرضیه دوم: بین مالکیت مدیریتی و نوع حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود نداشت.	بووشارما (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که مالکیت مدیریتی با نوع حسابرس ارتباط مثبتی دارد.
فرضیه سوم: بین مالکیت نهادی و هزینه‌های حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت.	در مقایسه با پژوهش لیفشاتز و همکاران (۲۰۱۱) نتیجه گرفتند بین مالکیت نهادی و پشتکار کمیته حسابرسی (تعداد جلسات) رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد.
فرضیه چهارم: بین مالکیت مدیریتی و هزینه‌های حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت.	در مقایسه با پژوهش لیفشاتز و همکاران (۲۰۱۱) نتیجه گرفتند بین مالکیت مدیریتی و پشتکار کمیته حسابرسی (تعداد جلسات) رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

پیشنهادات کاربردی

فرضیه اول و دوم:

۱) با توجه به نتایج پژوهش و ارتباط مثبت مالکیت نهادی با نوع حسابرس و عدم ارتباط مالکیت مدیریتی با نوع حسابرس به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در ساختار حاکمیت خود از مالکیت نهادی بیشتر از مالکیت مدیریتی در کنار نوع حسابرسی استفاده کنند. و از موسسات و حسابرسی‌های استفاده کنند که کیفیت بالاتری دارند.

۲) سرمایه‌گذاران و سهامداران در ارزیابی شرکت‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری، به وضعیت مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی و نوع حسابرسی به ویژه زمانی که به طور مداوم توسط شرکت‌ها تکرار می‌شود توجه نمایند. سازمان حسابرسی به عنوان یک نهاد قانون‌گذار و دولتی، می‌بایست ارائه دهنده الگویی جهت افزایش کیفیت حسابرسی باشد، تا باعث کاهش ارائه اطلاعات غلط توسط شرکت‌ها به استفاده‌کنندگان و در نتیجه کاهش تجدید ارائه صورت‌های مالی شود.

فرضیه سوم و چهارم:

۱) پیشنهاد می‌شود برای کاهش حق‌الزحمه‌های حسابرسی در شرکت و ایجاد اطمینان در سرمایه‌گذاری نسبت به اتخاذ تصمیمات کارا و بهینه توسط مدیریت، طرح‌های پاداشی مبتنی بر عملکرد و حاکمیت درست و بلندمدت برای مدیران در نظر گرفته شود.

۲) افشای اطلاعات مرتبط با حق‌الزحمه حسابرسی در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی به منظور فراهم آوردن امکان پیش‌بینی اطلاعاتی شرکت توسط سرمایه‌گذاران و سایر افراد ذینفع

سایر پیشنهادها

- ۱) آموزش مستمر مفاهیم حاکمیت شرکتی توسط جامعه حسابداران رسمی ایران.
- ۲) توجه بیشتر به نقش و کیفیت حسابرسی داخلی بنگاه‌های اقتصادی به عنوان یکی از مکانیزم‌های اثرگذار حاکمیت شرکتی.
- ۳) از نتایج این تحقیق می‌توان در تدوین آیین‌نامه راهبری شرکت‌ها در ایران بهره برد. نتایج این تحقیق می‌تواند مورد توجه مجامع و هیئت مدیره‌های شرکت‌ها جهت شناخت راهکارهای افزایش سطح عملکرد قرار گیرد. و سرمایه‌گذاران می‌توانند با توجه به عوامل تاثیرگذار بر عملکرد آتی شرکت‌ها تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند.

پیشهادات آتی

- ۱) پیشنهاد می‌شود از دیگر شاخص‌های حاکمیت شرکتی مانند استقلال هیئت مدیره، تمرکز مالکیت، اندازه هیئت مدیره در کنار نوع حسابرس و هزینه‌های حسابرسی استفاده شود.
- ۲) بررسی ارتباط بین هزینه‌های حسابرسی با ساختار سرمایه شرکت‌ها.
- ۳) بررسی ارتباط بین مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی با کیفیت حسابرسی.

منابع

۱. بنی‌مهد، بهمن، مرادزاده فرد، مهدی، زینالی، مهدی (۱۳۹۱). اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهار نظر حسابرس، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت سال پنجم، شماره پانزدهم، ص ۴۱-۵۴
۲. داروغه حضرتی، فاطمه، پهلوان، زهرا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره چهاردهم، ص ۱۳-۲۴
۳. ملکیان، اسفندیار، احمدپور، احمد، طالب تبارآهنگ، میثم (۱۳۹۱). بررسی رابطه برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حق‌الزحمه حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۳۷-۵۰

۴. نوروش، ایرج، سیما یزدانی (۱۳۸۹)، "بررسی تاثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیق‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره دوم، صفحه ۴۸-۳۵
۵. حساس یگانه، یحیی؛ و داداشی، ایمان. (۱۳۸۹). بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر اظهارنظر حسابرسان مستقل. مجله حسابداری مدیریت، ۶۵-۷۳
۷. ابراهیمی، کاظم، پیوندی، محمود، فخارمنش، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی تاثیر ساختار مالکیت شرکت بر حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان مستقل شرکت‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۴۲، ص ۵۹-۷۸
۸. شورورزی، محمدرضا، خلیلی، محسن، سلیمانی، حمید، فروتن، امید (۱۳۹۴). بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۵، ص ۱۲۱-۱۳۹
۹. موسوی، سیدرضا، جباری، حسین، بیدختی، عباس طلب (۱۳۹۴). حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورت‌های مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۵، ص ۹۷-۱۱۹
۱۰. حساس یگانه، ی.، (۱۳۸۵). "حاکمیت شرکتی در ایران"، حسابرس، شماره ۳۲، ص ۳۲-۳۹.
۱۱. دودانگه، ا.، (۱۳۸۴). "پایان بازی مدیریت سود"، حسابدار، شماره ۱۶۶، ص ۲۵-۲۷.
۱۲. قدس، ع.، (۱۳۸۷). "حاکمیت شرکتی و اصلاح ساختار هیئت مدیره"، تدبیر، شماره ۱۹۵، ص ۴۹-۵۲.
۱۳. رسائیان، ا.، (۱۳۸۸). "حاکمیت شرکتی و کنترل"، بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۸۹ و ۹۰، ص ۷۵-۹۱.
۱۴. ملکیان، اسفندیار، دریایی، عباسعلی (۱۳۹۰). تبیین رابطه بین ویژگی‌های مالکیت شرکتی با ساختار حاکمیت شرکتی، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره سوم، شماره اول، صص ۱۲۱-۱۴۳
۱۵. رئیس، ر. (۱۳۸۷). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حسابداری و مدیریت.
۱۶. جهنشاد، آرزیتا، نوایی لواسانی، مرتضی (۱۳۹۲). تاثیر مدت تصدی حسابرس و نوع حسابرس بر گزارش محافظه کارانه سود، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره هجدهم، ۱۰۷-۱۲۸

۱۷. رحمانی، هژیر، طالب‌نیا، قدرالله. (۱۳۹۲). رابطه بین نوع حسابرس و نوع گزارش حسابرس با مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره نوزدهم، صص. ۲۳-۴۲
۱۸. حساس‌یگانه، یحیی، جعفری، ولی (۱۳۸۹). بررسی تأثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره نهم، ۲۵-۴۲

19. Alali, F. , (2013). "Audit fees and discretionary accruals: Compensation structure effect", *Managerial Auditing Journal*, Vol 26, No 2. pp. 90-113
- 20.-Lai Kam-Wah(2012) " Audit Opinion and Disclosure of Audit Fees" *Journal of Accounting & Finance*, Vol 24, Issue1,PP.91-114
- 21.-Varouj A. Aivazian, Ying Ge, Jiaping Qiu, (2012). "The impact of leverage on firm investment: Canadian evidence." *Journal of Corporate Finance* 11, 277-291.
- 22.-Black, B., (2010). The corporate governance behavior and market value of Russian firms. *Emerging Markets Review* 2, 89-108.
23. Ditmar, A., Mahrt-Smith, J. (2011). corporate governance and the value of Cash holdings. *Journal of financial economics*
- 24.-Desender, K. , Aguilera, R., Crespi, R., & Garcia-Cestone, M. (2011). " Board Characteristics and Audit Fees: When Does Ownership. PP.125-14
- 25.-Kouki M, Guizani M., (2015), "Corporate Governance and Dividend Policy In Poland" *Warsaw School Of Economics, World Economy Research Institute, Al. Niepodlegosci Warsaw, Poland*, 162, PP. 02-554.
- 26.-Carcello, J., D. Hermanson, T. Neal and R. Riley (2002) ، "Board characteristics and audit fees", *Contemporary Accounting Research*, Vol ،19, pp. 365-385.
- 27.-Walker, M. (2003). Principal/agency theory when some agents are trustworthy, Working Paper, -Manchester University.